

نقد و بررسی ترجمه ناپذیری قرآن

دکتر سید رضا مودب

(دانشیار دانشگاه قم)

sr-moaddab@hawzah.net

چکیده: با گسترش اسلام و نیاز به ترجمه قرآن به دیگر زبان‌ها، ترجمه‌پذیری قرآن و درستی یا نادرستی آن، نزد مفسران و متکلمان مسلمان، مورد مناقشه بوده است؛ اغلب محققان، با عنایت به ضرورت و امکان ترجمه، در ترجمه روان، گویا و نوین از قرآن به دیگر زبان‌ها کوشیده‌اند؛ ولی در برابر، برخی از محققان به ویژه برخی از محققان معاصر، قرآن را ترجمه‌ناپذیر می‌دانند و معتقدند که «ترجمه حرفی» قرآن، یعنی ترجمه کلمه به کلمه، ممکن نیست ترجمه معنوی نیز، حاصل فهم مترجمان است؛ و به علت برخی از پیامدهای ترجمه‌های نادرست، معتقد به منع ترجمه شده‌اند که رشید رضا از مفسران بزرگ اهل سنت در دوره معاصر و غازی عنایه از قرآن‌پژوهان معاصر از جمله آنها هستند. رشید رضا به استناد برخی از مبانی فکری خود در خصوص قرآن و ترجمه آن، ترجمه قرآن را نادرست می‌داند؛ در این پژوهش، دیدگاه وی را تبیین و نقد می‌کنیم و می‌گوییم که «ترجمه حرفی» قرآن گرچه مشکل یا در مواردی، مقدور نیست، ترجمه معنوی قرآن ممکن و ضرورت آن برای ارائه حداکثری مفاهیم آیات و بیان مراد خداوند، برای کسانی که به زبان عربی آشنا نیستند، انکارپذیر نیست؛ هم‌چنان که نمی‌باید تردید کرد که ترجمه قرآن از احکام متن اصلی قرآن برخوردار نیست و انحراف و خطای برخی از مترجمان، نمی‌تواند مستندی بر عدم جواز ترجمه یا ترجمه‌ناپذیری قرآن باشد و لازم است تا در کنار ترجمه، متن اصلی قرآن، نیز ارائه شود و مترجمان می‌باید بسیار بکوشند تا ترجمه‌ای صحیح و روشمند و به دور از هرگونه کژی، به خصوص در آیات اعتقادی، ارائه کنند و از این رو، چنین ترجمه‌ای ممکن و جایز است؛ گرچه در مواردی از آیات، نوشتن پانویس ترجمه‌ها بسیار ضروری است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌ناپذیری قرآن، درستی ترجمه، ترجمه حرفی، رشید رضا، آیات اعتقادی، تعارض و تحریف ترجمه‌ها.

ترجمه و تفاوت آن با تفسیر

ترجمه به معنی برگرداندن الفاظ متنی به متن دیگر یا انتقال معنی کلام از زبانی به زبان دیگر است (زرقانی ۱۳۶۲: ج ۲، ۱۰؛ ذهبی ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۸؛ سلماسی زاده ۱۳۶۹: ۱۱ و معرفت ۱۳۷۵: ۱۸۳) و در مفاد آن تبیین و ایضاح وجود دارد و بدین جهت شرح حال افراد را «تراجم» نیز نامیده‌اند. در لغت ترجمه، اختلاف نظر وجود دارد که چهار حرفی از ریشه «ترجم» و به معنای تبیین به زبان دیگر (المنجد ۱۹۲۲: ۶۰) یا سه حرفی از «رجم» و به معنای تکلم حدسی و از روی ظن است (المنجد ۱۹۲۲: ۲۵۲)؛ در اصل ریشه کلمه ترجمه نیز بین زبان دانان اختلاف است که آیا عربی است و یا برگرفته از لفظ آرامی، «targnene»، باشد (خرمشاهی ۱۳۷۷: ج ۱، ۵۱۴) ولی در هر حال، ترجمه هر گونه تبیین و توضیحی نیست، بلکه شرحی است که در آن مفاهیم زبانی به زبان دیگر تبدیل می‌شود و بدین جهت اگر یک معنی با دو عبارت، در پی هم آورده شود که دومی، توضیح اولی باشد، ترجمه نخواهد بود. بدین جهت ترجمه با تفسیر متفاوت است؛ زیرا مفسر به خلاف مترجم در مقام برگرداندن مفاهیم از زبانی به زبانی دیگر نیست، بلکه در صدد بیان مراد و شرح کلام خدا در قرآن است که ممکن است به همان زبان یا به زبان‌های دیگری باشد و با ترجمه از آن جهت نزدیک است که مترجم هم در مقام رساندن معانی، ولی به صورت موجز است.

در ترجمه هر متنی، وفاداری کامل به متن و رعایت حالات متن مثل تحسر یا حزن لازم است برخلاف تفسیر که در مقام ارائه مقصود و مراد اصلی به همراه شرح و بسط آن متن است. در ترجمه، رعایت همسانی الفاظ و همگامی با متن ضروری است به خلاف تفسیر که آزاد و فراگیر مفاد است (معرفت ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۱۶). ترجمه و تفسیر در شروط، مبانی و انواع نیز متفاوتند (رضایی ۱۳۸۵: ش ۴۹، ۵۳).

گفتنی است که در خصوص ترجمه متون مقدس و آسمانی و مقایسه آنها با تفسیر آن متون، به جهت حساسیت آنها به ویژه در خصوص قرآن تشابهاتی وجود دارد که

ترجمه را نزدیک به تفسیر یا غالباً ترجمه تفسیری یا آزاد می‌کنند تا مترجمان بتوانند با الفاظی کوتاه مراد را نیز برسانند.

شروط ترجمه

برای ترجمه هر متن لازم است مترجم توانمندی‌های لازم را داشته باشد تا بتواند در ارائه ترجمه خود به ویژه در ترجمه قرآن کریم، به ترجمه همگام و سازگار برسد، مانند آن که: مترجم لازم است به دوزبان اصل و فرع، از نظر قواعد، اسلوب و ویژگی‌های آنها آگاه باشد و از رموز ادبی هر یک مطلع و بر هر دو زبان مسلط باشد (سلماسی زاده ۱۳۶۹: ۱۲؛ بی‌آزار شیرازی ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۰۴) تا متن دوم ترجمه متن اول تلقی شود؛ هم‌چنان که لازم است ترجمه گویا و روان باشد به گونه‌ای که مستقل از متن اصلی بتوان از آن بهره برد.

در ترجمه قرآن به ویژه لازم است تا برای مترجم مفاد آیات با توجه گسترده‌گی کنایات و استعارات قرآن، روشن و معلوم باشد و با کمک تفسیر، فهم صحیحی از آیات داشته باشد تا بتوان به ترجمه آن مبادرت کرد (معرفت ۱۳۶۹: ۲۰۰-۱۹۹)

ضرورت ترجمه قرآن

ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر از مسائل ضروری دوره معاصر و دوره‌های پیشین است که به اقتضای چنین ضرورتی، صدها ترجمه از قرآن به زبان‌های معروف دنیا انجام شده و ده‌ها مترجم، با تلاش فراوان در صدد ترجمه قرآن بوده‌اند. از سویی، ترجمه با قرآن کریم با توجه به تقدس متن آن که الفاظ آن الهی^۱ و از اعجاز برخوردار است (مفید، ۱۳۷۰: ۷۰؛ طبرسی [بی‌تا]: ج ۱، ۴۲) دارای جایگاه ویژه‌ای است و ترجمه آن نیز اهمیت فراوان دارد و دشواری ترجمه قرآن را بیش تر می‌نماید؛ از سویی دیگر ترجمه از منظر برخی از محققان نوعی تفسیر است (بی‌آزار شیرازی ۱۳۷۶: ۱، ۵۱) رسالت قرآن نیز جهانگیر است و خداوند آن را کتاب هدایت^۲ انسان‌ها اعلام می‌کند و معلوم

۱. «إِنَّ هَذَا أَلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (مدثر: ۲۵).

۲. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲)؛ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۳).

است که قرآن که مبین دین اسلام است، مکتب مکانمند و زمانمند نیست و مختص جمعی نبوده است (معرفت ۱۳۷۵: ۱۹۵) و بر عهده همه مسلمانان است تا پیام آیات را به گوش دیگران برسانند و با ترجمه یا تفسیر آن به زبان‌های دیگر، آنها را نیز از مفاهیم بلند آن مطلع کنند.

خطاب‌های قرآن هم بیانگر آن است که قرآن برای گروه خاصی نیست^۱ و از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبر ﷺ تبیین آن است که خداوند می‌فرماید: ﴿أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل: ۴۴) و بر عهده عالمان مسلمان است تا با ترجمه و تفسیر و تبیین معارف آن همگان را از این رحمت الهی بهره‌مند کنند.

بررسی آرای رشید رضا

ترجمه قرآن گرچه امری ضروری و ممکن است و بسیاری از عالمان مسلمان بدان مبادرت کرده‌اند هم‌چنان در دوره معاصر نزد گروهی از محققان، ترجمه آن غیرممکن و نادرست است؛ در شمار مهم‌ترین مخالفان ترجمه در دوره معاصر، رشید رضا صاحب تفسیر المنار است که در ذیل آیه شریفه: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّبِعُوا اللَّهَ اتَّبِعُوا رَسُولَهُ اتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ قُلْ إِنِّي أَخافُ إِنْ عَصَيْتُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَنْ يُعَذِّبَنِي اللَّهُ بَلَاءًا عَظِيمًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) به بررسی چگونگی اتباع از حضرت رسول ﷺ می‌پردازد و معتقد است که هر مسلمان، می‌باید پیرو پیامبر ﷺ باشد (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۰۳ و ۳۰۷) ولی مهم‌ترین شاخصه در پیروی، آشنایی به زبان و لغت پیامبر گرامی ﷺ یعنی زبان عربی است که قرآن بدان نازل شده و بدین جهت نماز را می‌باید به عربی خواند و لازم است تا برای بهره‌مندی از قرآن، در مفاهیم لغت قرآن تدبیر کرد (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۱۰)؛ ایشان لغت عربی را لغت همه مسلمانان می‌داند و معتقد است که برخی از فقهای مسلمان از جمله شافعی به وجود

۱. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ (بقره: ۲۱ و نساء: ۴ و ۱۷۰ و...)

۲. اعراف: ۱۵۸: «بگو ای مردم به راستی من فرستاده خداوند به سوی همه شمایم، همان که فرمانفرمایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، هیچ خدایی جز او نیست که زنده می‌دارد و می‌میراند پس به خداوند و فرستاده او پیامبر درس ناخوانده‌ای که به خداوند و قرآن او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید باشد که راهیاب گردید.»

تعلّم لغت عربی برای همه مسلمانان، فتوی داده‌اند (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۱۰) و اقامه دین اسلام را متوقف بر فراگیری لغت عربی می‌داند که کتاب خدا به آن زبان نازل شده است.

رشید رضا در ادامه با عنوان: «بحث فی الترجمة القرآن»، به بیان این پرسش می‌پردازد که برخی از جاهلان بر این باورند که چرا ترجمه قرآن جایز نباشد، آن چنان که نصاری، کتاب مقدس خود را ترجمه کردند و در این حال بر نصرانیت خود باقی ماندند؟ و سپس در ادامه به چهار پاسخ کوتاه در جواب آنها می‌پردازد که در این جا به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. فراگیری زبان عربی به منزله زبان قرآن برای مسلمانان، دستوری دینی است و مجالی برای اجتهاد و بررسی در آن نیست.
۲. اعتقاد بر مسیحی بودن نصاری که دین خود را از رهگذر ترجمه کتب مقدس، اخذ کرده، مورد قبول نیست و محل تردید است.
۳. ترجمه قرآن با حفظ اعجاز آن، ممکن نیست و سبب نفی اعجاز می‌شود.
۴. در صورتی که ترجمه قرآن و در ادامه آن ترجمه سنت پیامبر ﷺ اخلاقی در فهم دین و فروع آن نداشته باشد، با وحدت مسلمانان ناسازگار است و اتحاد، تعاون، تعارف و تعاطی آنها را از بین می‌برد. (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۱۴).

وی در ادامه با بررسی مستندات ترجمه‌ناپذیری قرآن، به ذکر چندین آیه می‌پردازد که قرآن را کتاب عربی می‌داند و بر عربی بودن آن تأکید می‌شود. مانند ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾، (یوسف: ۲)؛ ﴿كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾، (فصلت، ۳)؛ ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (زمر: ۲۸). او بیان می‌دارد که با توجه به آیات مذکور تعلّم زبان عربی از ضروریات اسلام است (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۱۷).

رشید رضا، در ادامه با عنوان «فتوی المنار فی حظر ترجمه القرآن» به بررسی پرسش شیخ احسن شاه افندی احمد در خصوص ترجمه قرآن می‌پردازد که گفته است: ادیبان ترک زبان برای تبلیغ قرآن، اصرار بر ترجمه دارند و معتقدند اگر قرآن، ترجمه نشود مفاهیم آن غیر مفهوم می‌ماند و مسلمانان از قرآن محروم می‌شوند و بدین جهت ترجمه را واجب دانسته‌اند (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۵-۳۲۴). رشیدرضا در پاسخ

به نامۀ شیخ احسن شاه احمد افندی، نخست اشاره می‌کند که کوتاهی مسلمین در رساندن مفاهیم قرآن از طریق تفسیر قرآن به زبان‌های دیگر، سبب گسترش ترجمه‌هایی از قرآن شده و برخی از ترجمه‌ها نیز ناشی از تلاش‌های مستشرقان برای تفرقه انداختن بین مسلمانان است. او به جهت پیامدهای ناگوار و گمراه‌کننده ترجمۀ قرآن، آن را نادرست می‌داند و به استناد برخی از دلایل ذیل، ترجمۀ قرآن را ناممکن و غیر مجاز می‌داند:

۱. عدم امکان «ترجمۀ حرفی» قرآن

رشید رضا بر آن باور است که ترجمه گرچه دوگونه است و یک قسم آن ترجمۀ معنوی شمرده شده، ولی چنین شکلی همان تفسیر است و از حوزه ترجمه خارج است و گونه‌ای دیگر که اصطلاح ترجمه بر آن صحیح است همان «ترجمۀ حرفی» یعنی ترجمه «کلمه به کلمه» است که در آن، قرآن به زبان‌های دیگر به گونه‌ای که عبارت ترجمه شده با متن اصلی در الفاظ و ساختار، مطابقت کند، ترجمه می‌شود و چنین قسمی از ترجمه، ممکن نیست (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۶)؛ زیرا الفاظ عربی در مواردی از ساختاری برخوردار است، که در زبان‌های دیگر از جمله فارسی، نمی‌توان برای آنها معادلی یافت تا مطابق آنها باشد.

مترجم نیز اگر بخواهد در برابر چنین الفاظی به جای آوردن معادل آنها به شرح و بسط عبارات بپردازد، ممکن است سبب انحراف در فهم خواننده شود؛ در مواردی هم که بتوان برای الفاظ قرآن معادل یا همسانی در دیگر زبان‌ها یافت، آن الفاظ در زبان عربی قرآن، بسا در قالب استعاره یا کنایه به کار رفته که در برگردان آن به فارسی یا انگلیسی و... توان تحمل آن استعاره وجود ندارد و خواننده ترجمه، متوجه معنی حقیقی آن نخواهد شد و بدین جهت از استعاره و کنایات قرآن، محروم خواهد شد (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۸)؛ برخی از محققان معاصر (عنايه ۱۹۹۶: ۱۶۵) هم، رای او را پسندیده‌اند.

رشید رضا، بر عدم امکان معادل‌یابی مواردی از الفاظ قرآن یا دشواری معادل‌یابی، تأکید فراوان دارد و می‌گوید که کلمات قرآن الفاظ مشترک دارند که چنین اشتراکی

برای همان لفظ در زبان فارسی و دیگر زبان‌های عجمی وجود ندارد و ممکن است مترجم در ترجمه خود، معنای غیر مراد از آن لفظ مشترک را ترجمه کند و به دیگران مفهومی را منتقل نماید که مراد و مقصود الهی نبوده است (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۸). رشیدرضا در ادامه یادآور می‌شود که «ترجمه معنوی» یعنی ترجمه آزاد از مفاهیم آیات و به دور از جایگزینی عبارات در زبان دیگر در برابر قرآن که همان تفسیر است، نیز نمی‌تواند سودمند باشد؛ زیرا چنین ترجمه‌ای حاصل فهم مترجم است، فهمی که گرچه ممکن است در مواردی صحیح باشد، احتمال خطای در فهم مترجم از آیات قرآن، در آن وجود دارد و بدین سبب نامگذاری قرآن بر آن صحیح نخواهد بود (رشیدرضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۶).

کلام رشیدرضا در خصوص عدم امکان ترجمه حرفی کامل قرآن بر زبان‌های دیگر به جهت آسمانی بودن کلام خدا و ویژگی‌های اصیل زبان عربی، مورد انکار نیست (معرفت ۱۳۴۲: ج ۱، ۱۲۰) و دشواری و یا عدم تحقق معادل، در برابر عبارات قرآن، همانند کلمه «الله» و ده‌ها صفت از صفات خداوند، نزد مترجمان، معلوم است و از هیچ مترجمی، توقع ترجمه حرفی و همسان و هم سطح با بلاغت، فصاحت و محتوای قرآن و برخوردار از تمامی استعارات و کنایات قرآن، در تمامی آیات، نبوده، هیچ ترجمه بشری نمی‌تواند قرآن تلقی شود و بیان‌کننده تمام مرادهای الهی باشد.

برای مثال، مترجم در آیه ﴿يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا﴾ (مریم: ۲۸) «ای خواهر هارون نه پدرت مردی بد و نه مادرت بدکاره بود» هیچ‌گاه نمی‌تواند تشبیه در عبارت «اخت هارون» را در ترجمه، نمایان سازد؛ زیرا که آیه شریفه نمی‌خواهد بیان کند که مریم خواهر هارون بوده؛ زیرا بین آنها فاصله زمانی فراوانی وجود دارد، بلکه آیه در مقام بیان پاکی مریم در قالب تشبیه او به خواهر هارون است یا در عبارت آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (نساء: ۹۴) «ای مومنان چون در راه خداوند به سفر می‌روید» خداوند با عبارت «ضرب» در زمین می‌خواهد بر مسافرت اشاره کند (طبرسی [بی‌تا]: ج ۳، ۱۴۵) و مترجم هیچ‌گاه با آوردن معادل فارسی ضرب، نمی‌تواند مفهوم را برساند؛ ولی ضرورت رساندن معانی

قرآن نیز از طریق برگرداندن و ترجمه آنها در حد مقدور، مورد انکار نیست (معرفت ۱۳۴۲: ج ۱، ۱۵۲).

از طرفی ترجمه قرآن، همواره در مقام اعانت برای رسانیدن مفاهیم آیات به صورت موجز به دیگر مسلمانان غیر عرب است (خویی ۱۴۰۱: ۵۰۵) ضمن آن که ترجمه حرفی که در مواردی فراوانی ممکن است، اگر در دیگر موارد به صورت کامل ممکن نباشد دلیلی بر نادرستی آن وجود ندارد؛ زیرا مترجم، قصد ندارد تا آن را جایگزین کامل کلام الهی، معرفی کند.

ترجمه معنوی آیات نیز که رشید رضا بر نادرستی آن استناد می‌کند و آن را حاصل فهم مفسران می‌داند، از قلمرو ترجمه مصطلح، خارج و در حوزه تفسیر است و هرگونه تغییر و خطای در فهم بر عهده مفسران و فهم آنان نیز نمی‌تواند همواره مراد خداوند متعال و قرآن شمرده شود؛ بلکه حاصل تلاش آنها در مقام دریافت مقصود الهی از آیات یا دریافت از متن آیات و تبیین آن است و صحت و اعتبار آنها منوط بر درستی مبانی و شیوه‌های تفسیر قرآن آنان است و به اختصار می‌توان اشاره کرد که مفسران یا چنین مترجمانی گاهی معرفت و فهم آنان براساس الفاظ و ظاهر آیات قرآن است، که چنین فهمی از آنها، منوط بر میزان برخورداری از تخصص و دانش تفسیری آنها خواهد بود (سیوطی [بی تا]: ج ۴، ۲۱۳) و یا فهم آنان مربوط به درون و باطن آیات است که بر طبق فرمایش امام باقر علیه السلام هیچ آیه‌ای نیست مگر آن که دارای ظاهر و باطن است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۹، ۹۴) و چنین فهمی براساس آیه شریفه: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»، (مزمّل: ۵) یعنی، ما سخنی سنگین را به زودی بر تو فرو می‌فرستیم. سنگین و هر کس طاققت فهم آن را ندارد (طباطبایی ۱۳۹۳: ج ۲۰، ۶۲) و مراحل از آن، مخصوص مخاطبان خاص آیات است که همان معصومین علیهم السلام هستند؛ زیرا امام باقر علیه السلام در خطاب به قتاده می‌گوید: «ویحک یا قتاده انما يعرف القرآن من خوطب به» یعنی وای بر تو، قرآن را فقط کسی که بر او خطاب شده می‌شناسد و بدان معرفت حاصل می‌کند (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۴، ۲۳۷).

روایت نهی از تفسیر قرآن نیز مانند: «من فسرالقرآن برأیه فلیتوبء مقعده من النار» یعنی هر کس قرآن را با رای خود تفسیر کند، جایگاه او در آتش است (ترمذی [بی تا]: ج ۵،

۱۹۵؛ طبری ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۷)، بر نهی از چنین ترجمه معنوی یا تفسیری اشاره دارد و بیان می‌دارد که مترجم و یا مفسر، لازم است در طریق فهم، راه صحیح را دنبال کند تا دچار خطا در فهم نشود؛ راهی که معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ما را بدان راهنمایی کرده‌اند و خود پیشتاز آن بوده‌اند؛ بدین جهت علامه طباطبایی در خصوص چگونگی نهی در روایات مذکور، اشاره می‌کند که نهی از طریق تفسیر است و نه نهی از مکشوف (طباطبایی ۱۳۹۳: ج ۳، ۷۸).

۲. استواری شریعت اسلام بر متن قرآن

رشید رضا در تفسیر المنار بر رابطه وثیق دین اسلام با متن آیات قرآن، تأکید دارد و معتقد است که شریعت اسلام مبتنی بر متن آیات قرآن است؛ زیرا قرآن، اساس دین، بلکه تمامی دین است و بدین جهت، سنت نیز نمی‌تواند دین اسلام، تلقی شود، مگر از آن جهت که مبین قرآن است (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۶). رشید رضا در ادامه، یادآور می‌شود که کسانی که مذهب خود را از طریق ترجمه قرآن، دریافت می‌کنند، مذهب آنها اصیل نیست؛ زیرا شریعت آنان حاصل فهم مترجمان است. او معتقد است که اجتهاد در دین نیز به واسطه قیاس و مبتنی بر نص آیات است و ترجمه قرآن، هیچ‌گاه زمینه چنین اجتهادی را فراهم نمی‌آورد (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۶). رشید رضا، هم چنین تأکید می‌کند که قرآن، تمامی مسلمانان را از تقلید در اعتقادات، باز می‌دارد و کسانی که مذهب و عقیده خود را از طریق ترجمه آیات دریافت می‌کنند، از مترجمان، تقلید کرده‌اند (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۴۶).

گفتار رشید رضا در خصوص استواری شریعت اسلام بر نص قرآن، برخاسته از جایگاه قرآن در نزد همه مسلمانان و سخنی عالمانه است و این که سنت هم مبین آیات است، کلامی قابل قبول است و هر دو در کنار هم هدایتگر انسان هستند، به خصوص که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در حدیث ثقلین به منزلت قرآن و هم چنین عترت اشاره دارد و می‌فرماید: «یا ایها الناس انی قد ترکت فیکم الثقلین ما ان اخذتم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی، اهل بیتی» یعنی «ای مردم من در بین شما دو چیز ارزشمند قرار دادم، اگر بدان‌ها تمسک کنید، گمراه نمی‌شوید کتاب خدا و عترت من که همان اهل بیت من هستند،

(ترمذی [بی تا]: ج ۷، ۶۶۵؛ مسلم [بی تا]: ج ۲، ۲۳۷؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۳۶۹). ولی چنین اعتقادی که شریعت اسلام مبتنی بر نص قرآن است، با ترجمه پذیری قرآن و ضرورت آن منافات ندارد.

اما کلام ایشان در خصوص اصیل نبودن و نادرستی مذهب کسانی که به واسطه آشنایی با ترجمه آیات، بر خداوند و رسولش ایمان آورده‌اند، درخور تامل است؛ زیرا گروهی از مسلمانان به واسطه ناآشنایی بر زبان عربی از طریق ترجمه قرآن، با اسلام آشنا شده‌اند و به واسطه آن، با متن آیات، انس پیدا کرده‌اند و نمی‌توان باور آنان را بر اسلام و سپس اعمال عبادی آنان را نااصیل دانست؛ زیرا باور امری قلبی و مستند بر اندیشه دینی است.

البته روشن است که تمام مسلمانان و کسانی که می‌خواهند با اسلام آشنا شوند و با زبان عربی آشنا نیستند، لازم است براساس مشاوره با متخصصان از ترجمه دقیق و هم‌چنین از تفسیر آیات، با دین اسلام مانوس شوند (معرفت ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۲۷) و اگر کسانی، عقیده خود را از ترجمه‌های نادرست، اخذ کرده‌اند، روش و عملکرد آنان دلیلی بر نادرستی ترجمه‌های صحیح نمی‌شود، بلکه ضرورت ترجمه صحیح را بیش‌تر می‌کند.

از طرفی، سخن دیگر رشید رضا مبنی بر نادرستی اجتهاد (بر اساس ترجمه‌ها) پذیرفتنی است؛ زیرا، اجتهاد همواره بر اساس نص آیات است، و اگر در برخی از موارد، اجتهاد مبتنی بر مفهوم و مفاد آیه است، گرچه آن مفهوم از طریق ترجمه و یا تفسیر آیه حاصل شده باشد ولی اجتهاد بر اساس نص آیات شکل گرفته است، مانند: ﴿مفهوم موافقت و اولویت﴾ در آیه ۵ ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٍ﴾ (اسراء: ۲۳)، یعنی به آنان آف مگو که براساس مفهوم نص آن، اجتهاد بر نادرستی ضرب و شتم پدر و مادر شده است (مظفر ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۱۰)

تقلید هم که در اصول دین، منع شده، نه به خاطر نادرستی تقلید بر ترجمه‌هاست، بلکه نهی در تقلید به جهت عدم تدبیر و تفکر در پذیرش اصول دین همانند توحید، نبوت و... است تا هر انسانی بر اساس توان تدبیر و تعمق که خود نعمت الهی است، در خصوص مبانی و اصول دین بیندیشد و خداوند هم در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا

لیس لک به علم؛ (اسراء: ۳۶) یعنی و آنچه را نمی‌دانی پی‌مگیر، بدین جهت ترجمه قرآن در صورت رسا بودن انتقال مفاهیم آیات، وسیله تدبر و هدایت (خویی ۱۴۰۱: ۵۰۵) و زمینه‌ساز نفی تقلید از اصول دین نیز هست و اگر ترجمه قرآن محقق نشود و مبانی نظری قرآن در اختیار همگان قرار نگیرد، زمینه تقلید کورکورانه، برای دیگران، فراهم می‌شود، در حالی که ترجمه آیات، سبب آشنایی با دین و چگونگی تقلید در فروع دین از مجتهدان خواهد گردید.

۳. ترجمه آیات اعتقادی، زمینه‌ساز کفر مترجمان

رشید رضا در تبیین مبانی نظری خود و به استناد کلام «غزالی» بیان می‌دارد که ترجمه آیات، به خصوص آیات مربوط به صفات خداوند متعال، جایز نیست. او نخست در ذیل آیه شریفه: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرٌ مُتَشَبِهَةٌ﴾ (آل عمران: ۷) یعنی اوست که این کتاب را بر تو فرو فرستاد؛ برخی از آن، آیات محکم‌اند که بنیاد این کتاب‌اند و برخی دیگر متشابه‌اند به اقوال مفسران و متکلمان در خصوص معنی متشابه و محکم می‌پردازد و در ضمن بیان اقوال، نظر ابن تیمیه را نیز می‌آورد که او معتقد است مقصود از آیات متشابه، آیات مربوط به صفات الهی است (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۳، ۱۶۵) که همان آیات اعتقادی و کلامی است و ترجمه و تفسیر آنها بسیار دشوار و لغزنده است.

رشید رضا در ادامه تفسیر آیات محکم و متشابه، به کلام غزالی از کتاب الجوامع العوام عن علم الکلام اشاره می‌کند و ضمن هم‌اندیشی با او بیان می‌دارد که غزالی معتقد است در خصوص آیات متشابه و روایات در ذیل آنها، حق همان است که مذهب سلف، یعنی مذهب صحابه و تابعین دنبال شود و به نقل از غزالی به حقیقت مذهب سلفیه اشاره می‌کند که هفت مرحله دارد و چنین است: تقدیس، تصدیق، اعتراف به عجز، سکوت، امساک، کف و خودداری، تسلیم اهل معرفت (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۳، ۲۰۸).

او به نقل از غزالی، با تبیین هر یک از هفت مرحله یادآوری می‌کند که رعایت تمامی آنها وظیفه همه مسلمانان است و برای بیان هر مرحله و چگونگی وظیفه در آن خصوص، مطالبی را بیان می‌دارد که از جمله آنها، در بیان مرحله پنجم که همان وظیفه

«امساک» است به نقد ترجمه‌ها و نادرستی تصرف در کلمات قرآن می‌پردازد و می‌گوید: که بر عموم مسلمانان، واجب است بر متن الفاظ همه آیات قرآن، بسنده کنند، (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۳، ۲۱۴)، تا مبادا زمینه‌ساز بیان مراد موهوم و ناصحیح از قرآن باشیم. رشید رضا به نقل از غزالی بیان می‌دارد که از جمله امساک‌های لازم، تصریف و برگرداندن الفاظ آیات به عبارات دیگر حتی در زبان عربی است و بدین جهت نمی‌توان آیه «استوی علی العرش» (رعد: ۲)، یعنی: «خداوند بر فرمانفرمایی جهان استیلا یافت» را به عبارت: «مستوی علی الارض» تبدیل کرد؛ زیرا مستوی، استقرار است که برخوردار از اقبال به سوی خلق و متفاوت با معنی «استوی» است (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۳، ۲۲۲).

رشید رضا به پیروی از غزالی در آیات قرآن به خصوص آیات اعتقادی، معتقد است نمی‌توان بر ترجمه آنها اقدام کرد؛ زیرا هرگونه تصریف و تغییر در برگرداندن آنها به زبان دیگر منجر به کفر خواهد شد (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۳، ۲۲۴) و در مثال آیات صفات خدا مثل: «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح: ۱۰)، یعنی دست خداوند بالای دست‌های آنان است. یادآور می‌شود که نمی‌توان عبارت «يُدُّ» را با عبارات «عضد، کف و ساعد» ترجمه کرد که هر یک از آنها زمینه‌ساز کفر است، هم‌چنان که برای عبارات ترکیبی، نمی‌توان برگردان و جایگزینی مناسب و صحیحی یافت؛ مانند آیه: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» (انعام: ۱۸)، یعنی اوست که بر بندگان خویش چیره است، که خداوند در بیان قاهرین و فوق‌عبادش، به ارائه مطلب اعتقادی می‌پردازد که ترجمه آن، بسا اعتقادات نادرستی را فراهم می‌آورد و به جهت این‌که نه تنها عوام، بلکه اهل علم هم در آیات اعتقادی، دچار انحراف و خطا می‌شوند، می‌باید در پنجمین مرحله بر امساک از ترجمه و برگردان همه آیات، به خصوص آیات اعتقادی، تأکید داشت و بر متن عبارات اکتفا کرد و گونه خطایی در آنها، سبب کفر خواهد شد (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۳، ۲۲۴؛ ج ۹، ۳۲۷) و لازم است که تا به پیروی از سلف، که طریقه پسندیده است، از ترجمه خودداری شود.

آنچه قابل قبول است آن است که ترجمه آیات به خصوص آیات اعتقادی و حتی آیات فقهی، در بین دیگر آیات، دشوارتر و پیچیده‌تر است و تلاش فراوان‌تری را برای

مترجم می‌طلبد، تکیه بر عدم جواز ترجمه قرآن و اعتراف بر وظیفه امساک و نهی از ترجمه آنها به جهت تساوی خطای در ترجمه با کفر به خصوص آیات اعتقادی، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا خطای برخی مترجمان را نمی‌توان دلیلی بر عدم جواز و حرمت ترجمه دانست و بداهت ضرورت ترجمه صحیح آیات برای همه، امری روشن است (معرفت ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۵۲) و بدین جهت مفسران بزرگی همچون رشیدالدین میبیدی (متوفای ۵۲۰)، ابوالفتح رازی (قرن ششم)، نظام‌الدین قمی نیشابوری (متوفای ۷۲۸) و ... بر ترجمه آیات از جمله آیات اعتقادی و به ویژه آیات متشابه پرداخته‌اند (ایازی ۱۳۸۱: ۵۸۸، ۴۸۶ و ۵۲۴). از طرفی نمی‌باید غافل شد که ترجمه قرآن، همسان و همسطح در احکام و لوازم با متن قرآن، نبوده بلکه ترجمه قرآن و برگرداندن مفاهیم آیات را کسی انجام می‌دهد که سعی می‌کند قرآن را بفهمد و به زبان دیگر تبدیل کند و نوعی تفسیر قرآن است (کرکی ۱۴۱۱: ج ۲، ۲۴۶): (ذهبی ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۹).

دیدگاه و مبانی رشید رضا نیز در استمرار عقیده غزالی در پیروی مذهب سلفیه و اعتقاد بر وظایف هفتگانه (رشید رضا ۱۳۸۱: ج ۳، ۲۰۸) از جمله وظیفه امساک، نمی‌تواند مورد قبول باشد؛ زیرا از استناد قوی برخوردار نیست و تردیدپذیر است؛ از طرفی، پیروی از سنت صحابه و سلف، ثابت نشده و سیره آنها متعارض بوده است (حکیم ۱۴۱۸: ۱۳۲) و در مواردی، برخی از صحابه سلف، مانند: سلمان بر ترجمه عبارتی از قرآن مبادرت کرده‌اند (معرفت ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۲۵).

در خصوص موارد یاد شده در متن، مانند ترجمه لغت العرش و یا عبارات استوی علی العرش، یدُ الله فوقَ ایدیهم و... مترجمان تلاش فراوان کرده‌اند که برگردان صحیحی را ارائه کنند ولی هیچ مترجم عاقلی حتی با رعایت دقیق قواعد ترجمه، مدعی بی‌نیازی خوانندگان ترجمه او از متن قرآن نیست و هرکس که بخواهد عقاید خود را سامان دهد، ضروری است تا بر تفسیر همان آیات به همان زبان قرآن مترجم، مراجعه کند تا مبادا، دچار انحراف در عقیده شود و اگر هم فردی بر اساس ترجمه آیات، یا حتی بر اساس تفسیر آیات، دچار انحراف در عقیده شد و راه کفر را برگزید، کفر او بر دلیلی بر حرمت و عدم جواز ترجمه اصیل و وفادار به متن، نخواهد بود، زیرا از

هیچ مترجمی نمی‌توان انتظار داشت تا با توجه به قدسی بودن^۱ متن و شکوه و عظمت وحی آن (طباطبایی ۱۳۷۲: ۷۲) هم‌چنان زبان خاص آن، (شاگرد ۱۳۸۲: ۱۱۵؛ سعید روشن ۱۳۸۳: ۲۲۷) ترجمه همچون آیات فراهم کند تا بتواند همچون متن، هدایتگر و آسمانی و از همه ویژگی‌های متن برخوردار و چون متن پدیدآورنده، تلقی شود. البته باور بر دشواری ترجمه‌ای دقیق و منضبط با آیات، امری پذیرفتنی است و آرمان نهایی، رسیدن به ترجمه‌ای مطابق و به دور از دخالت اعتقاد و باور خطای مترجمان در ترجمه آنهاست.

۴. عدم امکان انتقال نظم ادبی آیات به ترجمه آنها

رشید رضا بر این باور است که نظم ادبی و اسلوب ویژه قرآن که بر پایهٔ اعجاز آیات استوار است در مخاطب، تأثیر فراوان دارد و سبب جذب او به سوی دین اسلام یا تقویت ایمان مذهبی او می‌شود ولی در ترجمه آیات، چنین ویژگی وجود ندارد و مترجمان قرآن با ترجمه آیات، جمع زیادی از مخاطبان آن را از چنین ساختار اعجاز‌انگیزی، محروم می‌کند، (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۱، ۳۲۸). در تلاوت آیات، تأثیر اعجاز‌انگیز صوتی قرآن، وجود دارد که در هیچ ترجمه‌ای از آن خبری نیست و نمی‌باید به واسطهٔ ترجمه، عموم مخاطبان آن را تأثیر شگفت‌انگیز آن محروم نمود (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۱، ۳۲۸).

باور رشید رضا، مبتنی بر عدم امکان کامل انتقال نظم و اسلوب آیات در ترجمه، سخن جدیدی نیست و تمام متکلمان و عالمان مسلمانان به ویژه عالمان فصاحت و بلاغت بر آن تأکید داشته که اعجاز بلاغی و صوتی قرآن مخصوص متن اصلی است (طوسی ۱۳۷۶: ۳؛ رمانی [بی‌تا]: ۲۷) و ترجمه آیات برخوردار از همان ساحت بلاغت و فصاحت قرآن نیست؛ به همین جهت، تحدی هم بر متن اصلی واقع شده و نمی‌توان برگردان و ترجمه قرآن را قرآن دانست (ابوزهره ۱۳۲۲: ۵۸۳)؛ حضرت آیت الله معرفت هم از مفسران معاصر، یادآور اجماع امامیه است بر این که ترجمه قرآن، قرآن

۱. ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾: (شعرا ۱۹۴ - ۱۹۳) یعنی این که روح الامین آن را فرود آورده بر دلت تا از بیم‌دهندگان باشی.

نیست و نمی‌تواند احکام و ویژگی‌های متن از جمله اعجاز لفظی، در ترجمه هم جاری باشد (معرفت ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۲۴).

در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم بر آن تأکید شده است؛ زیرا امام جعفر صادق علیه‌السلام از پدراناش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید که آن حضرت فرمود: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ وَ أَيْتَاكُمْ وَ النَّبِزَ فِيهِ»، قرآن را بر اسلوب عربیت آن فراگیرید و از افزودن در عبارات آن بپرهیزید (حر عاملی ۱۳۹۱: ج ۴، ۸۶۵) و در روایات دیگری از امام صادق علیه‌السلام آمده که «تعلموا العربیه فانها کلام الله الذی حکم به خلقه و نطق به للماضین» زبان عربی را فراگیرید؛ زیرا کلام خدا به زبان عربی است و خداوند در قرآن به زبان عربی با انسان‌ها تکلم نموده و در مورد گذشتگان به واسطه آن زبان، سخن گفته است (صدوق ۱۳۸۹: ج ۱، ۱۲۴۴). بدین جهت به علت، نزول قرآن به زبان عربی که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ به راستی ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که خرد ورزید (زخرف: ۳)، نمی‌توان در قرائت نماز، ترجمه آیات را تلاوت کرد؛ زیرا تلاوت آن مگر در اضطرار، سبب بطلان نماز است. (همدانی [بی تا]: ۲۸۲).

اما ترجمه قرآن گرچه به صورت کامل و فراگیر نمی‌تواند تمام خصوصیات متن اصلی از جمله نظم و اسلوب اعجازمند لفظی قرآن را نمایان ساخت، با توجه به آن که جمع زیادی از مسلمانان که زبان آنها عربی نبوده و امکان فراگیری آنها مشکل یا مقدور آنها نیز نیست و بهره‌مندی آنها از قرآن جز به طریق ترجمه ممکن نیست، ترجمه آیات برای آنها در حد میسور ضرورت دارد و نمی‌توان به جهت عدم امکان انتقال ساختار کامل قرآن به دیگر زبان‌ها، آنها را از قرآن محروم ساخت (معرفت ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۵۳) و ترجمه قرآن را نادرست دانست؛ ضمن این‌که، الزام در فراگیری زبان عربی جز برای قرائت و بهره‌مندی از مفاد آیات، مستند نیست و نمی‌توان دیگران را بر آن ملزم کرد و لازم است تا در کنار ترجمه هر آیه، متن اصلی نیز ثبت شود تا علاقه‌مندان بر دریافت اسلوب و نظم شگفت‌انگیز قرآن، به متن توجه کنند و از آن بهره‌مند شوند؛ از طرفی، بخشی از اعجاز قرآن، نه مربوط به فصاحت الفاظ، بلکه مربوط به محتوی و پیام‌های آن است که می‌تواند در ترجمه‌های صحیح، مراحلی از آن آشکار شود.

۵. ناسازگاری، در بین ترجمه‌ها

رشید رضا در شمار دیگر مستندات ترجمه‌ناپذیری قرآن به بررسی تطبیقی ترجمه‌های ارائه شده از قرآن به زبان‌های متفاوت می‌پردازد و ناسازگاری بین آنها، بلکه تعارض و تحریف درونی بین آنها را با یکدیگر، دلیلی بر رویگردانی از ترجمه قرآن می‌داند و بر این باور است که مترجمان از اصول، قواعد و روش صحیحی برخوردار نبوده و جمعی از آنها مانند مستشرقان، ترجمه غلط و نادرستی ارائه داده‌اند یا با اهداف غیردینی، به هنگام ترجمه قرآن، به تحریف معانی آیات پرداخته‌اند و ترجمه‌های قرآن همانند ترجمه‌های کتاب مقدس دچار تعارض شده؛ بدین جهت وقتی قرآن به زبان ترکی، فارسی، هندی، چینی و... ترجمه شد، دچار تعارض و تحریف شده و برای حفظ از تحریف، تصحیف و تغییر متن، می‌باید بر متن اصلی قرآن، رکون کرد و آن را در، همه بلاد اسلامی منتشر ساخت (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۹). از نظر رشید رضا فراگیری زبان عربی بر عهده همه مسلمانان و علاقه‌مندان به قرآن است تا با متن آن آشنا شوند و در این صورت، هم متن قرآن، مصون از تعارض و تحریف‌های واقع شده در ترجمه‌ها خواهد بود و هم سبب وحدت مسلمانان نیز می‌شود (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۳۰). هم چنان که از نظر برخی از محققان معاصر، از نقل به معنی قرآن نیز جلوگیری شده است. (عنایه ۱۹۹۶: ۱۷۵).

فراگیری زبان عربی که رشید رضا بر آن تأکید دارد، امر صحیحی است که هم سبب دوری ترجمه قرآن از تحریف و ناسازگاری و هم سبب وحدت زبانی بین مسلمانان می‌شود ولی آیا برای همگان و در همه بلاد اسلامی، چنین امری، مقدور است؟ و آیا خطای برخی از مترجمان مسلمان در ترجمه‌ها که انکارپذیر نیست یا خطای برخی یا جمعی از مستشرقان به هنگام ارائه ترجمه قرآن، می‌تواند مستندی بر منع عمومی و حظر ترجمه برای همیشه قرآن باشد؟ از طرفی نمی‌توان از ناسازگاری ترجمه‌ها، تعبیر به تحریف کرد؛ زیرا تحریف مصطلح و صیانت قرآن از آن، در خصوص «متن آیات قرآن» است که می‌باید از هرگونه زیادی و کاستی محفوظ بماند (معرفت ۱۴۱۳: ۴۳) و خداوند متعال هم فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹): بی‌گمان ما خود قرآن را فرو فرستاده‌ایم و به یقین ما نگهبان آن خواهیم بود).

مفسران، متکلمان و محدثان فریقین براساس آیه مذکور و دیگر دلایل، بر صیانت «متن عربی قرآن» از هرگونه تغییر، تحریف و تصحیفی، توافق دارند (خویی ۱۴۰۱: ۲۰۰)؛ پیامبر ﷺ، صحابه، ائمه و اهل بیت علیهم السلام هم بر سلامت آن معترف بوده‌اند. (عسگری ۱۳۷۸: ج ۳، ۴۶) از سویی، ترجمه برخی از مستشرقان هم اگر به خطا رفته، در مواردی ناشی از پیش داوری‌ها و اهداف مغرضانه آنان (خرمشاهی ۱۳۷۷: ۵۶۳) و در مواردی کوتاهی مسلمین در همراهی با آنها و ارائه یک ترجمه کامل است؛ زیرا به هنگام هم‌فکری و هم‌اندیشی با آنها، به تدریج ترجمه‌های آنها بهتر شده تا آن‌جا که «بلاش» از جمله مترجمان قرآن در سال ۱۹۵۱، نهایت تلاش علمی خود را نمود تا ترجمه صحیحی را ارائه کند (خرمشاهی ۱۳۷۷: ۵۶۴)؛ به ویژه پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأسیس «مرکز ترجمه قرآن مجید» به زبان‌های خارجی در ایران و تدوین مجله ترجمان وحی^۱، ترجمه‌های بهتر با کمک مسلمانان، از سوی مستشرقان شکل گرفته است و در هر حال خطای گروهی از مستشرقان و مترجمان به سهو یا عمد، نمی‌تواند دلیل قابل قبولی برای حذر ترجمه قرآن به شمار آید و در صورت رعایت ضوابط ترجمه صحیح، از ناسازگاری درونی آنها کاسته خواهد شد (معرفت ۱۴۱۹: ج ۱، ۱۳۰).

۶. محرومیت از مزایای متن قرآن

رشید رضا در ادامه بیان مبانی خود در خصوص ترجمه قرآن به مزایا و فواید مراجعه به «متن اصلی قرآن» می‌پردازد و بر آن است که هر کس بر «ترجمه قرآن» مراجعه کند، از مزایای متن همانند «ثواب اجر فهم آیات» (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۶) که پیامبر ﷺ بر آن تأکید داشته‌اند، دور می‌ماند؛ زیرا متن اصلی، آسمانی و قدسی است و پیامبر ﷺ صحابه خود را به سوی متن اصلی و تدبر در مفاهیم آن سوق می‌دادند، تا مسلمانان از اجر و ثواب مطالعه و فهم آیات بهره‌مند شوند؛ مانند: تدبر در آیه تیمم که خداوند می‌فرماید: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ» (نساء: ۴۳)، یعنی «به خاک پاک تیمم کنید و بخشی از رخسارها و دست‌هایتان را با آن مسح کنید»

۱. مجله مذکور مربوط به مرکز ترجمه قرآن در قم است که هر سال دو بار منتشر می‌شود.

هم چنان که قرآن، سرچشمه معارف است و هر قاری قرآن از قرائت آن براساس چگونگی و میزان قرائت آن، مأجور می شود و اما کسی که بر ترجمه قرآن، مراجعه کند و آن را بخواند از ثواب قرائت قرآن و بهره هدایتی آن محروم می باشد (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۲۷).

تأکید مفسر معاصر اهل سنت در تفسیر المنار بر اهمیت مطالعه و قرائت قرآن، بر کسی پوشیده نیست و روایات فراوان در تفاسیر فریقین (طبرسی ۱۴۱۲: ج ۱۰، ۵۷۶؛ حویزی ۱۴۱۴: ج ۵، ۴۵۱؛ طبری ۱۴۱۲: ج ۲۹، ۸۸؛ سیوطی ۱۴۱۴: ج ۶، ۳۸۰) بر آن وجود دارد ولی محرومیت گروهی از چنین بهره و ثوابی، دلیلی بر نادرستی ترجمه قرآن نخواهد بود و چنین محرومیتی مربوط به موقعیت اجتماعی و زبانی مسلمانان است که برخی از مصادیق آن به شمار می آیند و مناسب است که هر مسلمان سعی کند تا از متن اصلی بهره مند شود و می دانیم که راه بهره مندی همواره مفتوح است و همواره لازم است در کنار هر متن ترجمه شده، متن اصلی هم آورده شود تا زمینه استفاده از متن قرآن فراهم باشد.

نتیجه

رشید رضا بر اساس مبانی فکری نادرست خود و به استناد ابهام عدم امکان ترجمه حرفی از قرآن و زمینه وجود کفر در برخی از ترجمه ها، محرومیت از ثواب قرائت و فهمیدن نص قرآن، زمینه وجود برخی از تعارض ها و تحریف در ترجمه ها و ... معتقد بر ترجمه ناپذیری قرآن و نادرستی و عدم جواز ترجمه حرفی و لفظی قرآن شده و در پایان بحث می گوید:

ترجمه حرفی قرآن دشوار و بر آن مفاسد فراوان، مترتب است؛ از این رو، ترجمه قرآن، صحیح نیست و اسلام آن را جایز نشمرد؛ زیرا چنین کاری، جنایتی بر اسلام و مسلمانان است... و مسلمانان اجماع دارند که تبدیل کلمات قرآن به لفظ مترادف آن در دیگر زبان ها، جایز نیست ولی ترجمه معنوی که همان تفسیر است جایز است (رشید رضا ۱۳۴۲: ج ۹، ۳۳۱).

دیدگاه وی و برخی از همفکران ایشان (عنايه ۱۹۹۶: ۱۶۴) در خصوص هر یک از

نقد و بررسی ترجمه‌ناپذیری قرآن / ۱۶۵

مطالب فوق، در چند مرحله تبیین و به اختصار نقد شد و گفتیم که برای حرمت ترجمه، هیچ دلیل یا مستند معقول و مشروعی سراغ نداریم؛ گرچه که ترجمه قرآن به لحاظ شکوه متن با دشواری‌های زیادی رو به رو است و ترجمه کامل حرفی آن در موارد زیادی از آیات قرآن مقدور نیست و بدین جهت مترجمان سعی در ارائه ترجمه‌ای گویا، به ضمیمه پاورقی‌ها دارند تا بتوانند برای کسانی که از زبان عربی محروم‌اند، مفاهیم آیات را بدان‌ها برسانند و سنت صحابه در مواردی بدان متمایل بوده است.

منابع و مأخذ

- ابو زمره، محمد [بی‌تا]: المعجزه الكبرى، بیروت، دارالفکر العربی.
- الکرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، موسسه آل البيت، بیروت.
- ایازی، سید محمد علی (۱۴۱۴)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، قرآن ناطق، دفتر نشر فرهنگ، تهران.
- بینات (۱۳۸۵)، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا، قم، ش ۴۹ و ۵۰، ویژه ترجمه قرآن کریم.
- ترمذی، محمد بن عیسی [بی‌تا]: سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء السنه النبویه.
- حجاج، مسلم بن [بی‌تا]: صحیح مسلم، بیروت، داراحیا التراث العربی.
- حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸)، الاصول العامه لفقہ المقارن، قم، مجمع عالمی اهل بیت.
- حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه (۱۳۸۳)، نور الثقلین، قم، مطبعه الحکمه.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران، انتشارات دوستان.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۱)، البیان فی تفسیر القرآن، انوار الهدی.
- ذهبی، محمد حسین (۱۳۸۱)، التفسیر و المفسرون، قاهره، دارالکتب الحدیثه.
- رشید رضا، محمد (۱۳۴۲)، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه.
- رمانی، محمد خلف الله [بی‌تا]: تحقیق ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، مصر، دارالمعارف.
- روشن، محمد باقر سعیدی (۱۳۸۳)، تحلیل زبان قرآن، قم، پژوهشگاه فرهنگ.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۶۲)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه.
- سلماسی‌زاده، جواد (۱۳۶۹)، تاریخ ترجمه قرآن، تهران، امیرکبیر.

- سیوطی، جلال‌الدین (١٤١٤)، الدر المنثور فی التفسیر الماثور، بیروت، دارالفکر.
- — [بی تا]: الاتقان فی علوم القرآن، قم، منشورات رضی.
- شاکر، محمد کاظم (١٣٨٢)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی.
- شیخ صدوق (١٣٨٩)، خصال، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
- طباطبایی، محمدحسین (١٣٩٣)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- — (١٣٧٢)، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن [بی تا]: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- طبری، جریر (١٤١٢)، جامع البیان عن تاویل آیات القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- طوسی، محمدبن حسن (١٣٧٦)، التیان فی تفسیر القرآن، نجف، المطبعه العلمیه.
- — (١٣٩١)، وسائل الشیعه، تهران، مکتب الاسلامیه.
- عسگری، مرتضی (١٣٧٨)، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، اصول‌الدین.
- عنایه، غازی (١٩٩٦)، شبهات حول القرآن و تفنیدها، بیروت، مکتبه الهلال.
- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
- مظفر، محمد رضا (١٣٨٦)، اصول الفقه، دارالنعمان، نجف.
- معرفت، محمد هادی (١٤١٩)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، رضوی، مشهد.
- — (١٣٧٥)، تاریخ قرآن، تهران، سمت.
- — (١٤١٣)، صیانه القرآن من التحریف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نعمان مفید، محمد بن (١٣٧٠)، اوائل المقالات، تبریز [بی تا].
- همدانی، رضا (١٣٢٢)، مصباح الفقیه، بیجا.